

توپ شب احیا در «حیطه هواهاو»



محمود ناظران پور* شب های ماه مبارک رمضان، خدام حرم بانقاره‌زنسی‌وقت اذان مغرب واذان صبح را به روزه داران اعلام می کردند، سواى این، عده‌ای هم در کوچه و خیابان راه می رفتند، طبل می کوبیدند و چاووشی می خواندند. شب های احیا یا همان ضربت خوردن تا شهادت حضرت علی (ع) اما رسم فرق می کرد. خدام نقاره‌نمی‌زدندو کسی هم

در کوچه وخیابان بر طبل نمی کوبید؛ در این ایام برای اطلاع رسانی وقت افطار و سحر به جای طبل کوبی و نقاره‌زنی، توپ در می کردند.خاطر م هست در محدوده خیابان‌نوغان‌تاپایین خیابان‌زمین‌وسیعى قرار داشت که مشهدی‌ها به آن «حیطه هواهاو» می‌گفتند؛ حیطه‌هواهاوکه هنوز وجه تسمیه‌نامش برایم روشن نیست، در واقع جایی بود که به هجده ساله‌ها مشق سربازی می‌دادند. در این زمین یک توپ چرخ‌دار بزرگ‌هم‌قرار داشت‌مسئول توپ،

تا ۳ شب هر افطار و سحر، مقداری باروت توی لوله‌آن می‌ریخت. بعدمقداری پارچه کهنه‌را که در لفظ مشهدی به آن «لته» می‌گویند، گرد می کرد، داخل آن می گذاشت و با سُمبه می‌کوبید.سپس در وقت‌اذان، چاشنی بافیتله‌توپ‌را روشن می کرد. باروت‌ها یا صدای بسیار مهیبی منفجر می شد و لته‌های سوزان‌روشن‌را

در هوای پر آکنده به‌طوری‌که صداز تمام شهر به‌گوش‌می‌رسیدوروشنایی‌اش دیده می‌شد. به این شیوه، اهالی شهر از ساعت وقت‌افطار وسحر، آگاهی‌پیدایى کردند. مشهدی‌ها علاوه‌بر این‌در شب‌نوزدهم رمضان سنتی خاص داشتند که‌ویژه اهالی این شهر بود و حالا سال‌هاست به‌دست فراموشی سپرده شده‌است؛ به‌این‌صورت که خُسَر‌ها(پدزن) با هدیه کوچکی مثل

خرما یا زولبیا به‌خانه‌داماداول می‌رفتند و روزه‌شان را در خانه دختر بزرگشان افطار می‌کردند. این آیین به یاد میهمانی حضرت علی (ع) در خانه دخترشان ام‌کلثوم (س) پیش از ضربت خوردنشان در مسجد کوفه برگزار می‌شد و مورد احترام بود. همچنین سحرهای ماه رمضان مادران، پسر بچه‌ها را تشویق می‌کردند که بر بام خانه‌ها مناجات بخوانند و من یکی از همین پسر بچه‌ها بودم که مناجات مولاعلی(ع) را می‌خواندم: «شب خیز که

عاشقان به‌شب‌راز کنند/ در درد و بام دوست پرواز کنند...» در کنار هم این‌ها از آنجا که کوچه پس کوچه‌های مشهد به‌الاشهر و پایین شهر نداشت و در هر محله اغنیاء در کنار فقرا زندگی می‌کردند، افطارهای ماه رمضان اگر کسی پلو پزان داشت، حتماً برای همسایه‌های دیوار به دیوار خودمی‌برد تا اگر بوی پلوخورش در دماغ بی‌نواپی‌نشست، اوحسرت‌نبرد و چشمش به‌دنبال آن‌غذانم‌اند.

*مشهدی‌پژوون‌نورسندنت‌کتاب‌مشهدقدیم

سال‌های بلوا

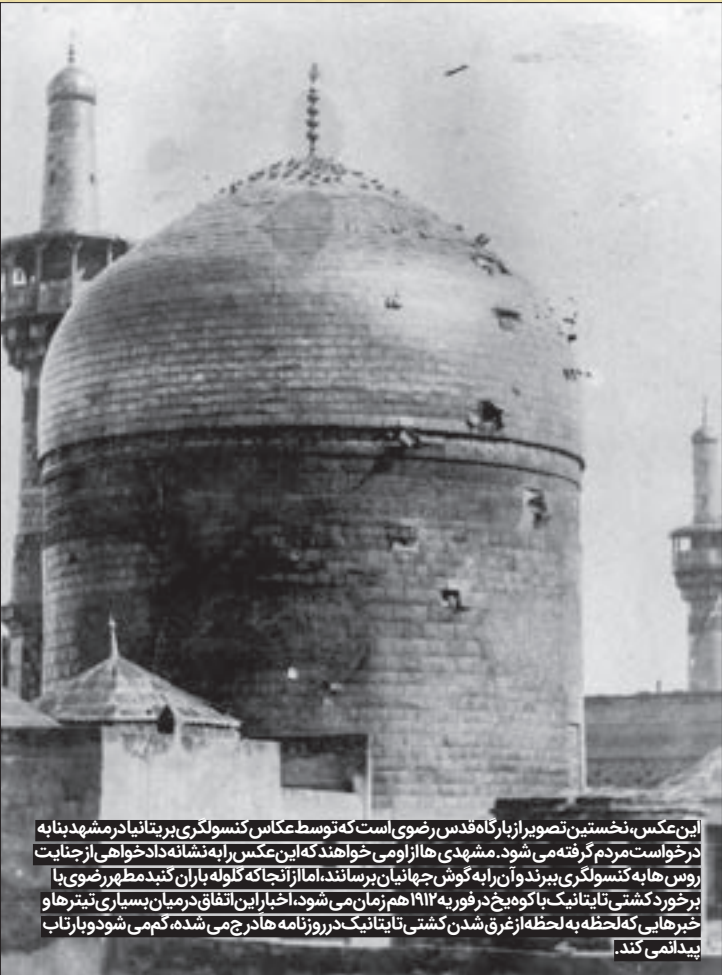
نگاهی گذرا به تاریخ پرتلاطم مشهد و مقاومت و پایداری خراسانی‌ها در اواخر حکومت قاجار

پسپسان یا همان «انقلاب بی رنگ خراسان» تنها تعداد انگشت‌شمار ی‌ا مقاومت‌های مردمی اهالی این خطه پر غرور در برابر ظلم حکام زمانه است؛ البته قیام‌های مردم مشهد و خراسان تنها در بحران‌های هم‌زمان با انقلاب مشروطه خلاصه نمی‌شود و پیش و پس از آن هم می‌توان این دست مقاومت‌ها را در پایداری مردم در برابر ظلم آصف‌الدوله، غائله مسجد گوهرشاد، مبارزات مردمی برای پیروزی انقلاب اسلامی و بسیاری دیگر بارها و بارها مشاهده کرد. فرارسیدن روز «مقاومت و پایداری» در تقویم شمسی، بهانه‌ای شد تا نقیض بن‌نیم بر برخی از این قیام‌ها و داستان مقاومت مردمی را روایت کنیم که تا آخرین نفر ایستادگی کرده‌اند.

فتنه‌عظیم‌مشهد

مشهد روزگار مؤید الدوله، شهری گرسنه است. خشک‌سالی، دهان زمین را تفت زده و علف را سوزانده است. مؤیدالدوله که با سلطان صاحب‌قران قجری، ناصرالدین‌شاه، نسبت خونی دارد، به پشت گرمی و این وصلت، اسب ظلمت خود را می‌دواند و باکی‌اش نیست. تاریخ می‌گوید او پیش از خشک شدن جوهر نامه حکومتش بر خراسان، به رسم چشم‌زخم گرفتن، دستور می‌دهد ۱۰ نفر را بی هیچ گناهی در ملأعام اعدام کنند. پس از آن دوست‌به‌احتکار گندم می‌زند. این کار در سال خشکی زمین، قطعی‌نان را به‌ارمغان می‌آورد. ادامه‌دار شدن گرسنگی، قرار مردم را می‌برد و از گوشه و کنار فریاد اعتراض‌ها بلند می‌شود. ناصرالدین‌شاه در رمضان ۱۳۱۲ق. وقتی می‌بیند این آشوب سلطنتش را تهدید می‌کند، تصمیم به عزل داماد خود می‌گیرد ولی تلاش‌های ملک‌التجار و افسر السلطنه، دختر ناصرالدین‌شاه قاجار، سبب می‌شود مؤیدالدوله یک‌سال دیگر هم در حکومت خراسان بماند.

بالاخره صدای شکم‌های گرسنه، مثل فریادی بر سر حکمران خالی می‌شود و کمبود آذوقه گرسنگان پا برهنه را به کوچه و خیابان می‌کشاند. گرسنگی شیشه‌دکان‌ها را می‌شکند



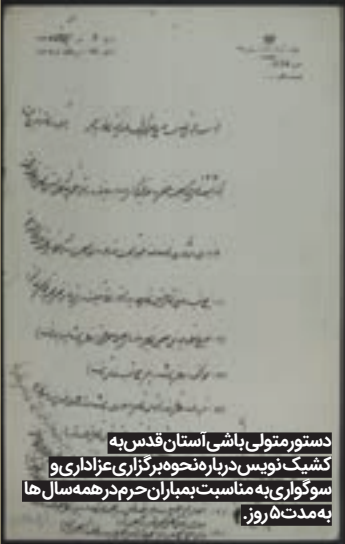
این عکس، نخستین تصویر از بارگاه قدس رضوی است که توسط عکاس کنسولگری بریتانیا در مشهد تهیه در خواست مردم گرفته می‌شود. مشهدی‌ها از اوزمی خواهند که این عکس را به نم‌خانه دادخواهی از اجنات روس‌ها به کنسولگری ببرند و آن را به گوش جهانیان برسانند. اما از آنجا که گلوله باران کتیدمطر رضوی با برخورد کشتی تانیا تیک با کوخ در فوریه ۱۹۱۲ هم‌زمان می‌شود، اخبار این اتفاق در میان بسیاری نیترها و خبرهایی که لحظه به لحظه از غرق شدن کشتی تانیا تیک در روزنامه‌ها در می‌شده، کم‌هی شود و بی‌ارتاب پیدای نمی‌کند.

که بالاخره روز ۲۷ محرم الحرام ۱۳۱۲ ضغوا و فقرای جان به لب رسید، دسته‌جمعی به خانه بیگلربیگی می‌ریزند، گندم‌های احتکار شده را بیرون می‌کشند و اموال را غارت می‌کنند.

شورش پنج‌روزه برای لغو امتیاز تنباکو

واگذاری امتیاز تنباکو در سنه ۱۲۷۰ هجری خورشیدی، یکی از رویدادهایی بود که پس از پایتخت، بیشترین واکنش مردمی را در مشهد به‌جا گذاشت. شورش پنج‌روزه مردم مشهد در این دوران در حالی شکل گرفت که شهر به دلیل برخی عوامل اقتصادی و سیاسی، از ثبات کافی برخوردار نبود. مؤلف «تاریخ انحصار دخانیات» اوضاع خراسان در این ایام را با توجه به مسائل مربوط به انگلستان و نهضت تنباکو در ایران، این‌طور گزارش می‌دهد: «در سرحد خراسان، مستأجر تنباکو را واداشته‌اند که بنای عظیمی به اسم محل تنباکو در نقطه باغ‌ایلخانی که مشرف بر تمام ارگ‌شهر و سایر نقاط شهر است بنماید (بسازد). تمام این مخارج گزاف از مالک مملکت آن‌هاست والا تاجر را چه کار به هفت‌گرو یا دوازده‌گرو مخارج‌اجاره‌داری که می‌تواند سال‌مایه‌خود را از این فقرای اهالی ایران دریافت‌سازد.»

نخستین واکنش عمومی به‌اهدای امتیاز تنباکو



دستور متولی‌باشی استان قدس به کشیک نویسن دربار نحوه برگزاری عزاداری و سوگواری به مناسبت بمباران حرم مطهر سال‌ها به‌مدت ۵۰روز.

در مشهد با حرکت ۴۰ تا ۵۰ نفر از طلاب مدرسه بالاسر و پایین‌پای حضرت، در اعتراض به ورود کارکنان شرکت «رُی» که ریاستش در آن ایام با «انبال» امی بوده‌است، آغاز شد و تمام‌شهر را فرا گرفت. در عصر این روز که تاریخ‌نگاران آن را اول ربیع‌الاول ۱۳۰۹ قمری نوشته‌اند، طلاب در مسیر حرکت خود، به‌دکان‌دارانی که حاضر به بستن مغازه‌های خود نشده بودند، معترض می‌شوند. به‌دنبال این اتفاق، بیگلربیگی، کلانتر و داروغه مشهد برای سرکوب طلاب نیروهای خود را به‌بالا خیابان کسپل می‌کنند، اما مأموران حکومتی موفق به متفرق کردن طلاب و مردمی که در کنار آن‌ها ایستادگی می‌کردند، نمی‌شوند و ادامه‌دار این مبارزه با تحصن بسیاری از مردم، طلاب و فروشنده‌گان تنباکو در صحن آستان مبارک، به حرم کشیده می‌شود. خبر به ناصرالدین‌شاه که می‌رسد، بی‌فوت‌وقت، تلگرافی برای فتح‌علی‌خان صاحب‌دیوان، حاکم‌وقت خراسان، می‌فرستد و چنین دستور می‌دهد: «اگر آنان فوراً دنبال کارشان نروند و دست‌از این مزخرفات نکنند، بایستی تمام سواره نظام و پیاده نظام خراسان را همراه با سواران شجاع‌الدوله و عفرانلو به مشهد فراخوانید و تمام شورشیان را بدون استثنادستگیر کنید. صدف‌نزار آنان را به‌توپ‌بسته و پدرشان را درآورید.» گرچه ظاهراً کنندگان پس از این دستور، بدون نیاز به این اقدامات پراکنده می‌شوند، اتفاق عجیب دیگری در شهر رخ می‌دهد؛ تاریخ‌نویسان نوشته‌اند: «پس از آن‌هر کسی گرفتار به‌اعمال قبیحه‌دیگر از قبیل شرب‌خمر، کشیدن تریاک، چرس‌بنگ و دیگر نشئه‌جات بودند، دست از استعمال کشیدند و دخانیات در شهر منسوخ شد؛ به‌طوری‌که مستأجرین و مأمورین رُی انگلیس متحیر ماندند و در صدد چاره‌برآمدن.» ناصرالدین‌شاه پس از مقاومت پنج‌روزه مردم، ناچار اجرای قرارداد در مشهد را عماه به تأخیر می‌اندازد و بعد‌ها هم اجرای قرارداد در این شهر اجباری نمی‌شود.

عاشورای ثانی مشهد

یکی دیگر از جلوه‌های مقاومت و پایداری مشهدرا می‌توان در مرور واقعه گلوله‌باران حرم مطهر رضوی در فروردین سنه ۱۲۹۱ خورشیدی دید. بطریق آنچه تاریخ‌نگار «شمس‌الشموس» روایت کرده‌است،

شورش کلث محمدتقی‌خان پسیان علیه قوام السلطنه، والی خراسان، یکی دیگر از قیام‌های تاریخی مشهد است که آن را انقلاب بی‌رنگ خراسان نیز می‌نامند. پسیان که قوام را بزرگ‌ترین دشمن خود می‌دانست و به‌دستور سیدضیاء، وی را دستگیر کرد و به تهران فرستاد و از سوی وی به عنوان کفیل ولایت خراسان منصوب شد. بدین ترتیب کلث پسیان فرصتی یافت تا بر نامه‌های اصلاحی خود را در ولایت خراسان آغاز کند. او حکام و فرمانروایان سابق را عزل و به جای آن‌ها حکام جدیدی که بیشتر از معتمدان کلث و افسران ژاندارمری بودند، منصوب کرد.

مردم در اعتراض به لباس متحدالشکل و سرکردن کلاه پهلوی در مسجد گوهرشاد تحصن می‌کنند. در این تجمع پس از سخنرانی شیخ‌محمدتقی‌پهلول بین مردم و نیروهای دولتی درگیری رخ می‌دهد. این تحصن به‌شدت سرکوب‌و پس از آن روحانیان سرشناس مشهد دستگیری می‌شوند.

شب صدای «الامان، الامان» گفتن مردم خاموش‌نشد، ولی از آنجا که خون به ناحق ریخته می‌جوشد و هرگز از پیراهن زمین پاک نمی‌شود، این ناامنی‌ها در نهایت موجب شورش داخلی می‌شود. روس‌ها برای پایان دادن به این درگیری، رکن‌الدوله، استاندار خراسان، را ناچار به پذیرش استعفا می‌کنند و با شورشیان از در مذاکره‌در می‌آیند.

در این تهاجم، روس‌ها حدود ۱۵۰۰ زن و مرد را در حرم‌پس از تفتیش دستگیری می‌کنند. شیخ‌حسین اولیا با باقی‌که در آن ایام، طلبه‌یکی از مدارس علمیه مشهد بوده، تعداد کشته‌شدگان را صد نفر تخمین زده و نوشته‌است: «اما آنچه به چشم خود دیدم، چهل نفر زیادت نبود، به جهت اینکه به نحوی خود را به صحن رسانیدم و شمردم ولی بعضی‌ها نقل کردند که چهار صد نفر کشته‌شدند.» همچنین مدرس رضوی کشته‌شدگان توپ‌بندی ۴۱۵ نفر می‌دانند و در سندی هم که به تاریخ ۱۳۳۷ق. مهر خورده‌است، تعداد کشته‌شدگان داخل حرم ۴۰ نفر ثبت شده‌است، ولی تعداد کسانی که در خارج به قتل رسیده یا ضغوا، زن‌های بچه سقط کرده و بچه‌هایی که از ترس تلف‌شده‌اند، از هزار نفر متجاوز است. این اتفاق در تاریخ خراسان آن‌چنان دردناک‌است که مشهدی‌ها بعد‌ها آن را «عاشورای ثانی» می‌نامند و تا سال‌ها برایش سوگواری می‌کنند.

منابع

- تاریخ معاصر مشهد: پژوهشی پیرامون تاریخ تحولات سیاسی اجتماعی مشهد از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی، یوسف متولی حقیقی، ج۱، مشهد: شورای اسلامی شهر مشهد، مرکز پژوهش‌ها، ۱۳۹۲، ص ۲۲
- انقلاب‌پیرنگ، باقیام کلث محمدتقی‌خان پسیان در خراسان، علی‌آذری، تهران: صفی‌علیشاه، ۱۳۲۸.
- انقلاب در خراسان: مجموعه اسناد و مدارک سال ۱۳۰۰ش. کاهویهات تهران: مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۰.
- قرارداد دزی ۱۸۹۰م: یا تاریخ انحصار دخانیات در سال ۱۳۰۹ه.ق. تألیف حسن کرلانی، تهران: مبارزان، ۱۳۶۱، ص ۷۷
- عین‌الوقایع (وقایع ایران سال‌های ۱۳۳۱-۱۳۲۴)، محمد یوسف ریاضی‌شهری؛ به اهتمام محمد آصف فکرت، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲، ص ۱۰۴
- تاریخ معاصر مشهد، یوسف متولی حقیقی، ج۱، ص ۴۰

۴ خرداد به تقویم مشهد:

۱۳۳۶ق:

قتل غیاث‌الدین محمد وزیر ایلخانان

۱۳۸۸ش:

تصرف شهر مشهد به‌دست مجاهدین ومحاصره سربازان مستقر در ارگ‌شهر و صدور فرمان شلیک از طرف رکن‌الدوله والی خراسان به پشت‌گرمی روس‌ها و تخریب محله سرشور

۱۳۷۱ش:

صدور قرار بازداشت فتح‌ا...یا کروان استاندار سابق خراسان و نایب‌التولیه استان قدس رضوی از سوی کیفر: حادثه گوهرشاد در زمان استانداری وی اتفاق افتاد و سبب کشته‌شدن افراد بیگانه بسیاری شد.

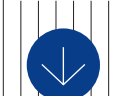
۱۳۳۰ش:

دعوت آیت‌ا...کلباسی از مردم مشهد برای تجمع در صحن تو حرم مطهر جهت اطلاع از مسائل روز و مشکلات کشور

روزنامه شهرامید ورزشی

شبهه ۴ خرداد ۱۳۸۸شماره ۱۹۱۳۸۸۳۳۳۳

SHAHNARANLINEIR



تاریخ و رویدادها